



پلیس های قلابی شهر دستگیر شدند

دار و دسته «چنگیز خان» با پخش صدای بی سیم، اموال طعمه های خود را می ربودند!

سجاد پور - سه عضو یک باند اخاذی و زور گیری که با جعل عنوان «پلیس» گوشی تلفن همراه و دیگر اموال شهروندان را می ربودند در حالی به چنگ قانون افتادند که در «کف زنی» نیز مهارت عجیبی دارند. به گزارش اختصاصی خراسان، در پی وقوع چندین فقره سرقت های به عنف در پوشش مأمور انتظامی، بلافاصله سردار سرتیپ محمد کاظم تقوی (فرمانده انتظامی خراسان رضوی) دستورات ویژه ای را برای شناسایی و دستگیری عاملان سرقت های مذکور صادر کرد چرا که جعل عنوان پلیس در ارتکاب این جرایم، موجب خدشه دار شدن اعتماد مردم به جان پر کفان انتظامی می شد. گزارش ها نشان می داد که افرادی با مراجعه به کلانتری های مشهد، ادعای کردند چند جوان کوپیک سوار که بی سیم داشتند، گوشی تلفن آن ها را به منظور بررسی سرقتی بودن گرفته و دیگر پس نداده اند! گزارش خراسان حاکی است: با جمع آوری این اطلاعات، فرمانده انتظامی مشهد مدیریت و نظارت بر عملیات پلیس را شخصا به عهده گرفت و از نیروهای کلانتری خواست تا تدابیر ویژه ای را برای دستگیری پلیس های قلابی به کار گیرند. این گونه بود که جلسات کارشناسی برای تجزیه و تحلیل محیط جغرافیایی و شگرد سارقان در کلانتری شقای مشهد برگزار شد و گروه تخصصی از افسران ورزیده دایره تجسس و گشت های محسوس و نامحسوس به سرپرستی سرگرد علی کشاورز (معاون پیشگیری از جرم کلانتری) به ردیابی پلیس های قلابی شهر پرداختند. آنان با تقویت گشت های هدفمند، نقاط تردد احتمالی ۳ جوان کوپیک سوار را به قرق خود درآوردند تا این که ساعت ۲ بامداد سی ام شهریور، از طریق منابع و مخبران محلی در جریان حضور پلیس های قلابی در بولوار هدایت قرار گرفتند و بی درنگ عازم خیابان هدایت ۷ شدند. بررسی های غیر محسوس نیروهای انتظامی نشان داد که ۳ جوان، دختر و پسر، را متوقف کرده اند و در حال بررسی گوشی تلفن آن ها برای سرقت هستند.

با مشاهده این ماجرا و با صدور فرمانی از سوی سرهنگ حسین دهقان پور (رئیس پلیس مشهد) عملیات دستگیری با رعایت موارد ایمنی آغاز شد اما در یک لحظه کوپیک سواران با دیدن نیروهای انتظامی، پدال گاز را فشرده و از محل گریختند. مأموران انتظامی نیز بلافاصله با دادن اخطارهای قانونی به تعقیب پلیس های قلابی پرداختند. با وجود این دزدان مذکور با سرعت باحسنتاکی از کوچه پس کوچه ها عبور می کردند تا این که ناگهان پشت چراغ قرمز یکی از چهارراه ها متوقف شدند. در این هنگام مأموران از خودرو پیاده شدند و به طرف دزدان فراری رفتند ولی یکی از سارقان که در صندلی عقب جا گرفته بود برای فرار از چنگ قانون، ناگهان در عقب را گشود که به سربکی از نیروهای انتظامی برخورد کرد و از ناحیه سر و صورت دچار جراحت شد ولی بی درنگ سرگرد کشاورز با استفاده از فنون دفاع شخصی، راه عبور را بر سارقان سد کرد و بدین ترتیب حلقه های قانون بر دستان سارقان اموال مردم گره خورد. گزارش خراسان حاکی است: دقایقی بعد و به دستور سرگرد علی امارلو (رئیس کلانتری شفا) ۳ جوان دستگیر شده به همراه خودرو کوپیک سفید رنگ به کلانتری منتقل شدند و تحت بازجویی های تخصصی قرار گرفتند. بررسی های اولیه نشان داد که «چنگیز» به همراه دوتن از بستگان ۲۰ و ۳۰ ساله اش، باند سرقت تحت عنوان پلیس را تشکیل داده است که به دار و دسته «چنگیز خان» معروف شده اند. در بازرسی از متهمان یک ثوب جلیقه مشکی رنگ، کلاه لبه دار مشکی که به عنوان پوشش پلیس استفاده

می کردند به همراه قاب چوبی مشکی رنگ عینک که آنتنی را روی آن نصب کرده بودند در حالی کشف شد که متهمان با شگردی خاص گوشی تلفن همراه را درون قاب عینک جاسازی کرده بودند و هنگامی که به طعمه ها نزدیک می شدند، صدای ضبط شده بی سیم را از طریق گوشی تلفن پخش می کردند تا خود را پلیس واقعی جلوه دهند! این گزارش حاکی است: هرچه نیروهای تجسس در



عکس: خراسان

شما سرقتی است و باید بررسی شود، از طعمه های می خواستیم برای تحویل گوشی به کلانتری بروند! و بدین ترتیب از محل می گریختیم! وی با اعتراف به سرقت پلاک های نصب شده روی خودرو کوپیک نیز گفت: آن ها را از یک خودروی پارک شده در حاشیه خیابان به سرقت بردیم و روی خودروی خودمان نصب کردیم تا شناخته نشویم. وی درباره ماجرای ساخت بی سیم قلابی نیز توضیح داد: روی جعبه چوبی عینک یک آنتن گذاشتیم و صدای بی سیم را از گوشی تلفن درون جعبه پخش می کردیم! تا مال باخنگان را اغفال کنیم. چنگیز سر دسته ۴۲ ساله این باند که مدعی است مدتی را در پاکستان به سر برده است نیز در بازجویی ها گفت: در پوشش پلیس، افراد مختلف را متوقف می کردیم و با این شگرد که لوازم همراه آنان مشکل دارد یا سرقتی است، اموال مردم را می ربودیم و از آنان می خواستیم برای بررسی لوازم به کلانتری بیایند! وی که ۴ فقره سابقه کف زنی دارد، ادامه داد: در سرقت ها، من رانندگی می کردم و پسرعمویم (فرزاد) گوشی ها را به مالخران می فروخت. فرزندم هم ۳۰ ساله این پرونده نیز در اعترافات خود گفت: با معرفی خودمان به عنوان پلیس، جلوی افراد را می گرفتیم و از آنان تقاضای کردیم تا مدرک شناسایی ارائه دهند و سپس به بهانه سرقتی بودن گوشی تلفن همراهشان، از آنان می خواستیم برای بررسی بیشتر به کلانتری محل بیایند! گزارش خراسان حاکی است: هنوز نیروهای انتظامی در حال انجام تحقیقات مقدماتی از باند «چنگیز خان» بودند که دو جوان ۱۵ ساله نیز با مراجعه به کلانتری، پلیس های قلابی را شناسایی کردند که چند دقیقه قبل گوشی تلفن آن ها را به سرقت برده بودند! بنابر این گزارش، با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع، این پرونده با دستور قضایی به پلیس آگاهی خراسان رضوی ارسال شد تا تحقیقات اعضای این باند در دایره مبارزه با جرایم خشن به طور تخصصی ادامه یابد.

در امتداد تاریکی

تیغه چاقو زیر گلولی تازه عروس!

موافقت پدر و مادر بزرگم بر سفره عقد نشستیم و با «تیمور» از دواج کردم ولی از همان روز های آغازین دوران نامزدی همسرم درخواست های نامتعارفی از من داشت. وقتی در برابر خواسته هایش مقاومت می کردم تأثیری خانواده ای ام حفظ شود مرا به یاد کتک می گرفت تا جایی که یک بار بینی ام را شکست. بعد از این ماجرا نامزد من شروع به بهانه گیری کرد به طوری که اجازه هیچ کاری را نداشتم. او مرا از رفتن به خانه مادر بزرگم منع می کرد و اجازه نمی داد با دوستانم ارتباط داشته باشم. مدتی بعد او مرا به این بهانه که چرا برخی افراد را در اینستاگرام دنبال می کنی به بالای یک پل عابر پیاده برد و تهدیدم کرد که اگر در برابر خواسته هایش مقاومت کنم مرا از روی پل پرت می کند. وقتی اوضاع را این گونه دیدم به ناچار ماجرا را برای خانواده ام بازگو کردم و درخواست طلاق دادم اما یک هفته بعد با وساطت اطرافیان و بزرگترها بهم آشتی کردیم. مدتی بعد یک روز تیمور با من تماس گرفت و مدعی شد قصد دارد به جبران اشتباهات گذشته مرا برای تفریح به خارج از شهر ببرد. من هم با خوشحالی به همراه او به راه افتادم تا این که تیمور مرا در بیرون از شهر به داخل یک چهار دیواری مخروبه برد و درون یک گودال بزرگ و ترسناک انداخت. او ناگهان با دستانش گلویم را فشرده به طوری که دیگر نفسم بالا نمی آمد. در این هنگام تیمور مرا رها کرد و با گذاشتن تیغه چاقو زیر گلویم، از من خواست تا برگردم. او را امضا کردم که در نوشته بود: من به همسرم خیانت کردم و همه مهریه ام را می بخشم! من که به شدت ترسیده بودم با دستانی لرزان آن برگردم بعد از آن نامزد من مرا داخل همان خرابه رها کرد و رفت. با آن که خیلی ترسیده بودم ولی با پرس و جو خودم را به کلانتری رساندم تا...

شایان ذکر است با صدور دستوری از سوی سرهنگ سعید شکاری (رئیس کلانتری مهرگان) بررسی ویژه این پرونده به کارشناسان زبده دایره مددکاری اجتماعی کلانتری سپرده شد. (هر گونه بهره برداری از مطالب این ستون مرا از عمه ام خواستگاری کرد. چند روز بعد با

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

خریدار خریدم

سپهر کودک رضوان



آغاز فروش نقد و اقساط
قطعات پروژه عظیم
باغی مسکونی سپهر...؟؟!!

۱۴۰۰/۸/۲

۰۹۱۵۶۹۰۰۷۸۴

بزرگترین تولید کننده انواع
کود معدنی و حیوانی استریل
در ایران (صاحب امتیاز ۳ معدن)